



معرفی استادان خارجی زبان فارسی



نشستی با دکتر اختر مهدی

رتال جامع علوم انسانی

■ آشنا: موضوعاتی که شما در تدریس دانشگاه مطرح می‌کنید و همچنین دربارهٔ شیوهٔ تدریس خودتان توضیح دهید؟
□ دکتر اختر مهدی: یکی درس آواشناسی و دیگر ترجمهٔ همزمان [ادبیات معاصر]، این دو درس را تدریس می‌نمایم. همچنین درس فرهنگ و تمدن کشورهای فارسی زبان، مخصوصاً تغییر و تحولاتی که در ایران پس از انقلاب اسلامی رخ داده است، را نیز بررسی می‌نمایم؛ دربارهٔ مذهب اسلام هم صحبت می‌کنم و اینکه چگونه ایران اسلام را قبول کرد اما فرهنگ و تمدن خود را حفظ نمود و آنچه را که در مذهب راستین اسلام بود پذیرفت اما هیچگاه تسلیم فرهنگ و تمدن عربها نشد.

■ آشنا: ابتدا دربارهٔ انگیزه روی آوردن و علاقه مندی خود به زبان فارسی توضیح بفرمایید؟
□ دکتر اختر مهدی: تنها انگیزه روی آوردن من به زبان فارسی تشویق پدرم بود که بر طبق سنت خانوادگی ما، بچه‌ها در سن پنج سالگی به یادگیری زبان فارسی می‌پردازند و من هم با ترغیب و کمک پدرم به یادگیری آن پرداختم.
■ آشنا: آقای دکتر، لیسانس شما در چه رشته‌ای است؟
□ دکتر اختر مهدی: در اینجا افراد می‌توانند در سه رشته مدرک لیسانس بگیرند. یکی از رشته‌هایی که من در آن مدرک لیسانس گرفتم، رشته زبان فارسی بود. اما فوق لیسانس و دکترا را تنها در رشته زبان فارسی دریافت کردم.



■ آشنا: تدریس شما به چه صورت است؟

□ دکتر اختر مهدی: در درس آواشناسی از لابراتوار زبان استفاده می‌نمایم؛ همچنین از کتاب «آزفا» نوشته دکتر «یدالله ثمره» برای تدریس کمک می‌گیرم که هم برای دانشجویان و هم برای استادان بسیار مفید می‌باشد. به رایزنی فرهنگی پیشنهاد کرده‌ام که این کتاب باید در تمام شبه قاره به تمام زبانها ترجمه و چاپ شود، چون بهترین وسیله یادگیری زبان فارسی می‌باشد. برای ترجمه همزمان [ادبیات معاصر] هم تلاش داریم. خبرهایی را که از رادیوهای مختلف پخش می‌شود، ضبط می‌کنیم و این نوارها را برای بچه‌ها می‌گذاریم و از آنها می‌خواهیم که آنها را ترجمه نمایند، آن وقت هر کجا که اشتباه کردند آن را تصحیح می‌نمایم. این شیوه مخصوص درس ترجمه می‌باشد.

■ آشنا: در جهت هر چه بیشتر فعال نمودن دانشجویان چه روشهایی را برگزیده‌اید؟

□ دکتر اختر مهدی: روش من روش استادانم می‌باشد. سعیم بر این است که بین من و دانشجویانم فاصله‌ای نباشد؛ مثلاً، زمانی که من دانشجوی دکترا بودم، استادم از من پرسید: می‌دانی که این میله چیست؟ می‌گفتم: نه، می‌گفت: این میله الکتریکی است و به همین نحو و با همان زبان محاوره‌ای با ما سخن می‌گفت. این روشی است که من هم در ارتباط با دانشجویانم به کار می‌برم. درباره موضوعات مختلف، من یک صحبتی می‌کنم بعد از آنها می‌خواهم که درباره آن موضوع خاص نظرات خودشان را نیز بیان نمایند؛ به عنوان مثال، در ماه مبارک رمضان که به کلاس می‌رفتم، دیدم دانشجویی روزه خود را افطار می‌کند. علت آن را پرسیدم، گفت استاد، من دیشب خواب ماندم و نتوانستم سحر بیدار شوم. این مسأله موجب بحث درباره روزه شد و اینکه درباره اهمیت ماه مبارک رمضان صحبت کنم. یا درباره کتاب به دانشجویانم می‌گفتم پنج جمله در باره کتاب به زبان فارسی بگویند. این باعث می‌شد که آنها مجبور به صحبت کردن به زبان فارسی شوند. حتی اگر اشتباه هم می‌کردند به آنها می‌گفتم از اشتباه ترسید ممکن است من هم که استاد شما هستم اشتباه نمایم. این جرأت و جسارت را در آنها به وجود می‌آوردم که صحبت کنند ولو اشتباه باشد. و دیدم که نتیجه خوبی هم داشت.

■ آشنا: به دانشجویان خود که می‌خواهند زبان فارسی را یاد بگیرند چه توصیه‌ای دارید؟

□ دکتر اختر مهدی: من به آنها می‌گویم رادیو گوش دهید، روزنامه را بخوانید؛ مخصوصاً مجله کیهان فرهنگی و روزنامه جمهوری اسلامی را. اگر یک نسخه از این مجلات و روزنامه‌ها از خانه فرهنگ به دستم برسد با خود به کلاس می‌برم، به آنها می‌گویم که آیا شما این خبرها را خوانده‌اید که مطمئناً هم ندیده‌اند. آن اخبار را خودم روی نوار کلمه‌الزبان که در لابراتوار است می‌خوانم تا ضبط شود. آنها نوار را گوش می‌دهند بعد می‌گویم ترجمه کنید. آنها با صدای خودشان ترجمه می‌کنند آن هم ضبط می‌شود. بعد می‌گویم حال این ترجمه انگلیسی را گوش دهید جاهایی که اشتباه کرده‌اند را به آنان گوشزد می‌نمایم.

■ آشنا: آیا شما تاکنون در زمینه تدریس به مشکلی برخورد نکرده‌اید؟

□ آقای دکتر اختر مهدی: البته مشکل وجود دارد؛ مثلاً، یکی از مشکلات، مسأله کتاب است. و مشکل دیگر در مورد ادبیات فارسی پس از انقلاب اسلامی است که براساس تبلیغات سوئی که وجود داشت این طور جا افتاده است که بعد از انقلاب اسلامی، ایران به عنوان کشوری که مرکز علم و ادب فارسی است، تبدیل شده به کشوری که تنها تبلیغات مذهبی دارد. من اطلاعی درباره پیشرفت ایران در زمینه کتابهای داستانی، شعر نو، نمایشنامه و غیره نداشتم. اما در این کلاسهای بازآموزی استادان زبان فارسی، آقای دکتر رادفر درباره داستان نویسی در ایران امروز، توضیحات خوبی دادند که مطمئناً اطلاعات خود را در این باره به دانشجویان خود در کلاسها خواهم داد.

■ آشنا: به نظر شما مسؤولین ایران به عنوان حافظان زبان و ادبیات فارسی برای ترویج این زبان مخصوصاً در شبه قاره چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

□ دکتر اختر مهدی: ایران در این جهت، کارهای مثبت، زیاد انجام داده است اما به نظر من کلاسهای بازآموزی گام دیگری است که در این زمینه برداشته شده. اگر امکانش فراهم شود که دانشجویان دوره دکترا بتوانند در ایران دوره ببینند خیلی مؤثر خواهد بود. همینطور حضور استادان فارسی شبه قاره در ایران کمک زیادی به آشنایی بهتر آنها با زبان فارسی می‌نماید زیرا وقتی زبان فارسی را در ایران در همه جا بشنوند و صحبت کنند طبیعتاً آشنایی با آن هم خیلی سریعتر خواهد بود.

کار بعدی مسؤولین این است که داستان نویسها و شاعران معروف را در مجلات اینجا معرفی نمایند. انقلاب ایران که

موجب این همه تحولات در دنیا شده باید بررسی شود و تأثیر آن را در ادبیات مورد توجه قرار دهیم. ارزشهایی که در قبل از انقلاب اسلامی هیچگونه موجودیتی از خود نداشتند، پس از انقلاب اسلامی هویت خود را باز یافتند. حادثه ای مثل حادثه کربلا تا پیش از انقلاب به عنوان یک حادثه تاریخی تلقی می شد. جریان انقلاب اسلامی در ایران و همچنین حوادث پس از آن مثل جنگ و غیره، ماجرای کربلا را از شکل یک حادثه تاریخی بیرون آورد و به آن صورت عینی و تجسم ظاهری بخشید. ما می بایست این تأثیرات شگرف را در ادبیات منعکس نماییم تا تک تک مردم از آن اطلاع داشته باشند. تبادل استاد و دانشجو عامل بسیار مهمی در پیشرفت زبان می باشد. مردم هند هیچگاه زبان فارسی را زبان خارجی نمی بینند. اما پس از استیلای انگلیس بر هند، زبان انگلیسی توانست جای آن را پر کند. در حال حاضر نیز تمام متون به زبان انگلیسی می باشد. ما سعی می کنیم تا جایی که بتوانیم جایگاه زبان فارسی را حفظ کنیم. یکی از این تلاشها، فراهم کردن کتاب برای استادان و تشکیل کمیته کل است. این کمیته وجود دارد و کارش نیز تنظیم و چاپ کتاب بر اساس متونی است که باید در دروه های مختلف تدریس شود. در حال حاضر، مرکزی که چاپ و نشر کتاب را برعهده داشته باشد وجود ندارد؛ مثلاً، اگر برای کلاسهای دوره متوسطه کتابی مشتمل بر قصاید، غزلیات و مثنوی تنظیم و چاپ شود می تواند مشتری زیادی هم داشته باشد. استادی می گوید من در اینجا ۱۵۰۰ دانشجوی لیسانس زبان فارسی دارم یعنی شهر کوچکی مثل مرادآباد ۱۵۰۰ دانشجو در سطح لیسانس دارد. پس این زبان در اینجا زنده است و باید کاری کنیم که زنده تر شود.

■ آشنا: استاد در میان، اشعار کلاسیک کدام شاعر را می پسندید؟
□ دکتر اختر مهدی: شکی نیست که شعر حافظ بسیار زیبا است ولی در زمینه قصاید، قآنی را بیشتر می پسندم و آن هم به علت سادگی زبان و مکالمه و خصوصاً در تشبیب و شاید علتش هم این باشد که قآنی شیعی مذهب بوده و بیش از سایر شعرا ائمه را مدح نموده است.

■ آشنا: در میان شاعران معاصر کدام شاعر را؟

□ دکتر اختر مهدی: درباره شاعران معاصر اطلاع چندانی ندارم زیرا مدتی است که از ادبیات دور مانده ام و به دنیای سیاست نزدیکتر شده ام. اکنون پس از یک دوره بازآموزی زبان فارسی به ادبیات فارسی روی آورده ام و به مطالعه اشعار بهار، اشرف الدین نسیم و مقداری هم دیوان پروین

اعتصامی پرداخته ام. در این مدت در مجلات ایرانی شاعر برجسته ای که به نظرم رسید آقای موسوی گرمارودی بود. اشعار ایشان را درباره بیستون خوانده ام متأسفانه درباره ایشان هم اطلاعات زیادی ندارم وگرنه حتماً مقاله ای را به ایشان اختصاص می دادم.

■ آشنا: استاد با توجه به اینکه فرمودید سفری طولانی به ایران نداشتید چطور به این روانی مکالمه را یاد گرفته اید؟

□ دکتر اختر مهدی: این نتیجه تلاش استادان بزرگم است. استاد به گونه ای درس می داد که هیچگونه خستگی به وجود نمی آورد. روزی که من به عنوان دانشجو وارد دانشگاه شدم مقاله خود را به قسمتهای مختلف تقسیم کردم و خدمت استاد رفتم. گفتم استاد مقاله را این گونه تقسیم بندی کرده ام. مرحله بعد را چه باید بکنم و استاد گفت «پیش من نیا، برو، تو برای اخذ درجه دکترا به زبان فارسی آمده ای در حالی که به زبان اردو حرف می زنی تا زمانی که تمایل به صحبت کردن به زبان فارسی نداری به کلاس من نیا» خود استاد هر وقت که صحبت می کردند به زبان فارسی سخن می گفتند. جالب اینجا بود که با دانشجوی هر زبانی به همان زبان صحبت می کرد؛ با دانشجوی رشته زبان انگلیسی به زبان انگلیسی، با دانشجوی زبان عربی به عربی و با دانشجوی زبان فرانسه به فرانسوی. زمانی که وارد سازمان رادیو شدم چون کارم گوش دادن به اخبار فارسی بود کمک بسیار خوبی در یادگیری زبان فارسی بود. همچنین ارتباط با خانه فرهنگ نیز یادگیری را برایم سهل تر نمود. اما در عین حال باز هم فکر می کنم در مراحل ابتدایی هستم.

■ آشنا: آیا تاکنون برایتان پیش آمده که کلمه ای را اشتباه کرده باشید و کسی آن را اصلاح کرده باشد؟

□ دکتر اختر مهدی: بله بسیار پیش می آمد. یکی از این موارد عنوان پایان نامه ام به زبان انگلیسی بود که آن را اینطور ترجمه کردم (خدمات شاه محمد اجمل اله آبادی به زبان و ادبیات فارسی) پیش استاد رفتم ایشان گفتند این ترجمه صحیح نیست و به جای خدمات باید بنویسی سهم و من نوشتم سهم شاه اجمل اله آبادی به تحول زبان و ادبیات فارسی. باز هم به ایشان نشان دادم، استاد گفتند وقتی که گفتی «سهم» باید بگویی که چه کار کرد بنابراین باید بگویی سهم شاه محمد اجمل اله آبادی در تحول زبان و ادبیات فارسی. از این موارد زیاد وجود داشت. ایشان هم خیلی خوب برخورد



می کردند. در این مدت شش سالی که در کنار ایشان بودم تنها یکبار عصبانی شدند. زمانی هم که عصبانی می شدند حالت چشماشان تغییر می کرد. ایشان نه تنها زبان و ادبیات فارسی را به من یاد دادند بلکه مکتب تشیع را نیز به من شناساندند. معتقد بودند بعد از قرآن اگر قرار است که یک دانشجوی زبان و ادبیات عرب کتابی بخواند نهج البلاغه است. از آقای دکتر عزیزالدین عثمانی که از شاگردانشان می باشند خواهش می کردند که اصول کافی را برایشان بیاورند. زمانی که استاد مریض شدند به منزل شان رفتم، به ایشان گفتم پایتان درد می کند می توانم آن را مالش دهم و وقتی تمام شد ایشان نیز به نشانه تشکر و سپاس پیشانی مرا بوسیدند و گفتند تو وظیفه شاگردی خود را انجام دادی و من هم وظیفه استادی خود را. به من گفتند آقای دکتر اختر مهدی من چهل حدیث را به یاد دارم، می خواهی برایت بگویم. چون معروف است که اگر کسی چهل حدیث حفظ باشد در روز قیامت به عنوان عالم محشور می شود. خاطره دیگری به یادم آمدم سازمان یا اتحادیه ای به نام حلف العرب وجود دارد. عده ای از افراد آن برای اولین بار نزد استاد آمدند و گفتند که ما می خواهیم اولین روز نوروز را جشن بگیریم آمده ایم که از شما دعوت کنیم تا در مراسم ما شرکت کنید و سخنرانی نمایید. استاد گفتند من وقت ندارم. پس از رفتن آنان گفتم شما اشتباه کردید اگر من جای شما بودم می رفتم. گفتند «خیر. روز اول محرم به مجلس جشن و شادی بروم؟» گفتم «نه استاد، می رفتید منتها حالات روحی خود را در آنجا بازگو می کردید». به من گفت «برو به آنها بگو که آماده ام در مجلس آنها شرکت نمایم.» استاد گفتند «چه باید بگویم؟» گفتم «تمام احساسات قلبی خود را بیان نمایید.» در مراسم افتتاحیه اولین نفر برای سخنرانی ایشان بودند. بلند شدند و گفتند «بسم الله الرحمن الرحیم بله اول نوروز که اول محرم هم می باشد برای ما مسلمانان روز شادی و انبساط بوده تا سال ۶۰ هجری قمری اما از زمان شهادت امام حسین (ع) این روز برای ما روز غم و اندوه است. دلم خون است اما آمده ام تا احساسات قلبی خود را بیان کنم. بیش از این چیز دیگری برای شما ندارم که بگویم» و به من هم گفتند «آقای اختر مهدی بیاید برویم من رسالت خود را بیان کردم» همیشه همینطور علنی و رک صحبت می کردند.

■ آشنا: استاد شما چند فرزند دارید و آیا فرزندانان هم به زبان فارسی آشنا هستند؟

□ دکتر اختر مهدی: من پنج پسر و سه دختر دارم. فرزند بزرگم در رشته پزشکی تحصیل می کند. در نظر دارم که حتماً یکی از پسران و یکی از دختران را فارسی یاد دهم. وقتی که می بینم فردی مثل استاد «ابوالحسن انصاری» استاد دانشگاه دهلی با آن همه معلومات و دانش از دنیا می روند و کسی نیست که از کتابها و کتابخانه وی استفاده نماید و راه او را دنبال کند یا دکتر «تاراچند» سفیر هندوستان در ایران که کتابهای زیادی نوشتند اما هیچ یک از فرزندان ایشان زبان فارسی و اردو را نمی دانستند که این ذخیره علمی را به دیگران نشر دهند و یا حتی خودشان از آن استفاده نمایند، به این فکر می افتم که حتماً باید زبان فارسی را به فرزندانم یاد دهم. کتابخانه سفیر هندوستان در ایران که کتابخانه عظیمی می باشد و یکی از بزرگترین کتابخانه های شهر شیمله هم می باشد اکنون در منزل وی می باشد و مدت شش سال است که دست نخورده باقی مانده است. از این رو باید حتی المقدور سعی کرد که در خانه کسانی باشند که هم خودشان از ذخیره های علمی استفاده نمایند و هم زمینه های استفاده برای نسلهای بعدی را فراهم نمایند.

■ آشنا: سفر شما به ایران چگونه بوده است؟

□ دکتر اختر مهدی: من ایران را در خواب دیده ام. علاقه زیادی به دیدن آن داشته ام اما موفق به دیدار آن نشدم. در زمان رحلت امام خمینی هفت روز آنجا بودم. در طول این هفت روز چیزی جز پرچمهای سیاه ندیدم. شخصیت حضرت امام خمینی را نه تنها از جنبه مذهبی باید مورد توجه قرار داد بلکه از جنبه بین المللی هم ایشان را باید مورد احترام قرار داد. در سرتاسر جهان اولین شخصیتی که ندای نه شرقی نه غربی را بلند کرد ایشان بودند. من مسلمان هستم و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده ام اما هیچگاه درباره مسأله قدس چیزی نمی دانستم. در حالی که پس از واقعه انقلاب اسلامی از هر کس پیروی می داند. پدرم تعریف می کرد زمانی که انگلیسها در کشور ما بودند وقتی اذان از بلندگو پخش می شد سربازان انگلیسی می پرسیدند اینها چکار می کنند. در پاسخ می گویند مردم را برای نماز دعوت می کنند. گفته بودند این به مسائل سیاسی ارتباط پیدا نمی کند. گفته بودند: نه. سربازان انگلیسی گفته بودند خوب بگذارید کارشان را انجام دهند. فکر جدایی دین از سیاست آنچنان رشد کرده بود که حتی در مسجد ما وقتی که صحبتی می شد می گفتند این به ما ربطی ندارد و ما با سیاست کاری نداریم. ■

■ آشنا: با تشکر و امید به موفقیت شما.